

روایت ششم: «عن الحارث بن مغیره، عن ابی عبدالله - علیه السلام - قال: «إذا سمعت من اصحابک الحدیث و کلهم ثقة، فموسع علیک حتی تری القائم - علیه السلام - فترد الیه»<sup>1</sup>.

روایت هفتم: «محمد بن الحسن باسناده عن احمد بن محمد عن العباس بن معروف عن علی بن مهزیار، قال: قرأت فی کتاب لعبدالله بن محمد الی ابی الحسن - علیه السلام - : اختلف اصحابنا فی روایاتهم عن ابی عبدالله - علیه السلام - فی رکعتی الفجر فی السفر، فروی بعضهم: صلها فی المحمل و روی بعضهم: لا تصلها الا علی الارض فوَّع - علیه السلام - «موسع علیک بأیة عملت»<sup>2</sup>.

روایت هشتم: فقه الرضا - علیه السلام - : «و النفساء تدع الصلاة اکثره» مثل ایام حیضها - الی ان قال - : و قد روی ثمانية عشر یوما و روی ثلاثة و عشرون یوما و بأی هذه الاحادیث اخذ من جهة التسلیم جاز»<sup>3</sup>.

روایات هشتگانه فوق، روایاتی است که گفته شده: بر تخییر در وقت تعارض دلالت دارند. در ادامه باید موقعیت سندی، دلالتی و فقهی این روایات بررسی گردد.

#### بررسی سندی روایات تخییر

روایت اول دارای دو سند و هر دو بی اشکال است و برخی شبهات در اطراف عثمان بن عیسی کلابی قبلا توضیح داده شد و حل گردید. ضمن این که در سند دوم وی حضور ندارد و به جای آن حسن بن محبوب سرّاد (زرّاد) است که هیچ شبهه‌ای در اطراف او نیست. در حق او گفته شده: کان جلیل القدر یعد فی الارکان الاربعة فی عصره له کتب کثیرة و از اصحاب اجماع است.<sup>4</sup> روایت دوم موقوف و فاقد سند معتبر است و در این که روایتی جدا از بقیه باشد و رقم جدیدی را رقم زند شبهه است. ممکن است گزارش جناب کلینی از نقل دیگر روایت قبل از آن باشد و معنای «فی روایة اخرى» یعنی فی نقل آخر للروایة...

روایت سوم نیز ضعیف السند است. وجود محمد بن عبدالله مسمعی در هر دو طریق آن سند روایت را با خدشه مواجه کرده است مسمعی وثاقتش ثابت نیست بلکه ابن ولید، وی را تضعیف کرده است؛ هر چند محقق مامقانی - با نگاه اثباتی که در کل به راویان احادیث دارد - در حق وی می فرماید: «و المتحصل من المجموع ان الرجل فی اول درجة الحسن اقلا»<sup>5</sup>.

1. همان، ص 122، حدیث 41.

2. همان، ص 122 و 123، حدیث 44.

3. مستدرک الوسائل، ج 17، ابواب صفات القاضی، باب 9، ص 306 و 307، ح 12.

4. تنقیح المقال فی علم الرجال، ج 1، ص 304.

5. همان، ج 3، ص 146.

روایات چهارم، پنجم و ششم همگی به نقل از احتجاج طبرسی است و فاقد سند معتبر است. البته روایت چهارم از سند دیگری نیز برخوردار است و آن نقل شیخ طوسی در کتاب «الغیبة»<sup>6</sup> با این سند است: «عن جماعة عن ابی الحسن محمد بن احمد بن داود القمی، قال: وجدت بخط احمد بن ابراهیم النوبختی و املاء ابی القاسم حسین بن روح».<sup>7</sup> لکن این سند نیز به دلیل حضور نوبختی در آن فاقد اعتبار است.

روایت هفتم برخوردار از سند معتبر است. اسناد شیخ طوسی به احمد بن محمد بن عیسی اشعری تمام است.<sup>8</sup> بقیه رجال هم از شیعیان ثقه هستند حدیث از امام رضا - علیه السلام - یا امام هادی - علیه السلام - است. البته عبدالله بن محمد اگر عبدالله بن محمد بن حصین حصینی اهوازی باشد، کتابی با عنوان «المسائل للرضا - علیه السلام -» دارد.

روایت هشتم از نظر سند، اعتبارش ثابت نیست. البته در مورد فقه الرضا (= الفقه الرضوی) برخی بر اعتبار آن هستند. صاحب حدائق از شخصی به نام سید امیر حسین نقل می کند که گفته است (بعد از بیان برخی قرائن [؟]): «حصل لی العلم بتلك القرائن انه تالیف الامام - علیه السلام -». <sup>9</sup> ایشان خود نیز جناب سید را در این رأی همراهی می کند و از جناب مجلسی و سید نعمت الله جزایری نیز رای موافق نقل می نماید.<sup>10</sup>

محقق همدانی هر چند مطمئن به تالیف آن از سوی امام رضا - علیه السلام - نیست، لکن مفاد آن را «روایات موثوق بها» می داند که «لاتقصر عن المراسیل القابلة للانجبار بالفتاوی». البته در انجام هم فرمان به تامل می دهد (فلیتامل).<sup>11</sup>

همچنین گفته شده این کتاب مرجع اصحاب امامیه در وقت نبود نصوص بوده است.<sup>12</sup>

و البته جمعی هم اصل روایت بودن کتاب را قبول ندارند، تاجه رسد که در مورد اعتبار آن بیندیشند و رأی دهند!<sup>13</sup>

6. ص 232.

7. ر.ک: فائده دوم از خاتمه وسائل الشیعة (ج 30، ص 143)، رقم 48.

8. «و من جملة ما ذکرته عن احمد بن محمد بن عیسی. ما رویته بهذه الاسناد عن محمد بن یعقوب عن عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد بن عیسی». تهذیب الاحکام، ج 10، المشیخة، ص 384، رقم 8.

9. الحدائق، ج 1، ص 26.

10. همان، ص 25 و 26.

11. مصباح الفقیه، کتاب الطهارة، ص 589.

12. ر.ک: دراسات فی ولاية الفقیه، ج 2، ص 357.

13. ر.ک: مصباح الاصول، ج 2، ص 551.